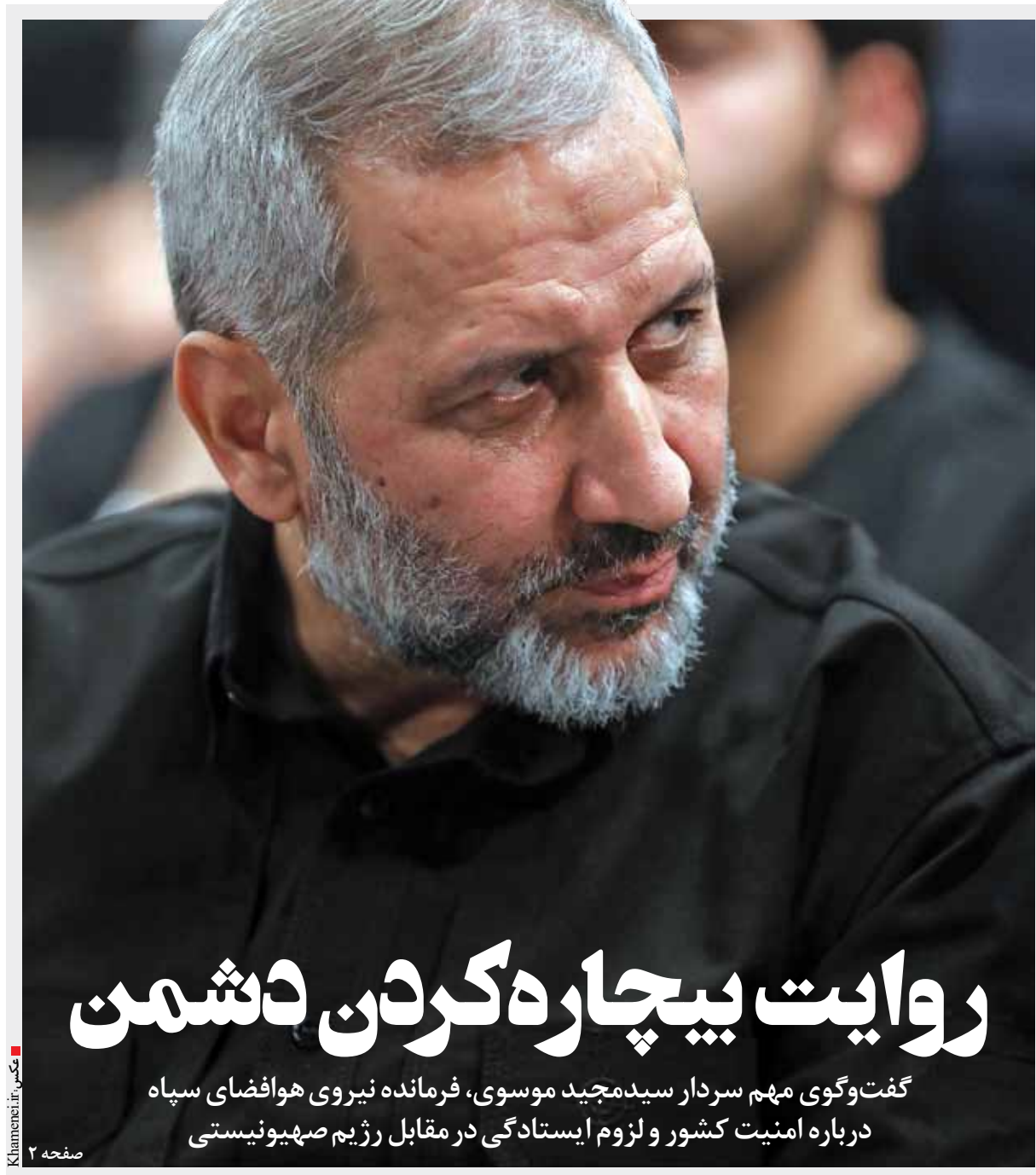




عکس: Khamenei.ir

رازهای تاریک قتل مارتین لوترکینگ در ۲۳۰ هزار برگ سند منتشر شده افشا شد

FBI دشمن لوترکینگ

اسناد فاش می‌کند اف‌بی‌آی در پروژه مخفیانه
COINTELPRO، کمپین هدفمند تخریب شخصیت را
علیه لوترکینگ به راه انداخته بود

گروه بین‌الملل: اخیراً به دستور مستقیم دونالد ترامپ، بیش از ۲۳۰ هزار صفحه سند طبقه‌بندی‌شده درباره ترور «مارتین لوترکینگ» توسط اداره اطلاعات ملی آمریکا منتشر شده؛ اسنادی که برای دهه‌ها زیر خاکستر محرمانگی پنهان مانده بود، حالا پرده از واقعیتهای تاریک و جنایتکارانه برمی‌دارد: کوتاهی، بی‌تفاوتی و حتی نقش سیستماتیک سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در حذف فیزیکی یکی از بزرگ‌ترین رهبران مدنی تاریخ ایالات متحده. دکتر «مارتین لوترکینگ جونیور»، مردی که با رویکردی مسالمت‌آمیز و الهام‌گرفته از فلسفه مهاتما گاندی، در خط مقدم مبارزه با تبعیض نژادی ایستاده بود، حالا در این اسناد به عنوان شکل شماره یک سیستم امنیتی آمریکا معرفی می‌شود؛ مردی که با سخنرانی‌هایش لرزه بر اندام برتری‌طلبان سفیدپوست و سیاستمداران ریاکار می‌انداخت و

ادامه در صفحه ۷



شایعه جایگزین شدن ارز ترکیبی
با ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی

سیاست ارزی مبهم دولت

در ۷۴ سالگی پس از تحمل یک دوره بیماری

احمد توکل درگذشت

از کیفیت نازل خودروی چینی و تعلل در خدمات پس از فروش تا تخلفات گسترده عاملیت‌های نمایندگی‌ها

سرگردنه مدیران خودرو



ضمیمه طنز (راه‌راه)
آزادی با جولاهن

روایت بیچاره‌کردن دشمن

گفت‌وگوی مهم سردار سیدمجد موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه
درباره امنیت کشور و لزوم ایستادگی در مقابل رژیم صهیونیستی

می‌دهد. اداره مهاجرت و گمرک (ICE) با افزایش ۱۰۰ میلیارد دلاری بودجه به بزرگ‌ترین سازمان مجری قانون فدرال تبدیل می‌شود. این بودجه عظیم برای ۲ برابر کردن ظرفیت بازداشت مهاجران، طراحی شده است. علاوه بر این، مبلغی بالغ بر ۴۶۵ میلیارد دلار برای تکمیل دیوار مرزی با مکزیک در نظر گرفته شده است. این سیاست‌های تهاجمی با مخالفت اکثریت مردم آمریکا مواجه است.

همزمان، بودجه دفاعی آن کشور ۱۵۰ میلیارد دلار افزایش می‌یابد که صرف تقویت توان کشتی‌سازی نیروی دریایی و توسعه سیستم‌های دفاع موشکی جدید می‌شود. این افزایش چشمگیر، نشان‌دهنده تغییر تمرکز از دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی به سمت قدرت سخت و بازدارندگی نظامی است.

ت- عقب‌گرد راهبردی در حوزه انرژی و اقلیم

این لایحه یک عقب‌گرد کامل از سیاست‌های اقلیمی دولت پیشین محسوب می‌شود. تقریباً تمام مشوق‌های مالیاتی برای انرژی‌های پاک که در قالب قانون کاهش تورم (IRA) تصویب شده بود، حذف یا بتدریج متوقف می‌شود.

ادامه در صفحه ۴

باز آرای بنیادین اقتصاد و جامعه آمریکایی

می‌دهد اکثریت مردم آمریکا، از جمله ۴۸ درصد جمهوری‌خواهان، معتقدند این سیاست‌ها عمدتاً به نفع ثروتمندان تمام می‌شود. تحلیل‌های دفتر بودجه کنگره این دیدگاه را تایید می‌کند و نشان می‌دهد این سیاست‌ها به انتقال ثروت به دهک‌های بالای درآمدی منجر خواهد شد. برای جلب نظر برخی جمهوری‌خواهان ناراضی از ایالت‌های با مالیات بالا، لایحه، سقف کسر مالیات‌های ایالتی و محلی (SALT) را از ۱۰ هزار دلار به ۴۰ هزار دلار افزایش داده است. این تغییر که عمدتاً به نفع خانوارهای ثروتمند در ایالت‌های دموکرات‌نشین است، ماهیت پیچیده و گاه متناقض ائتلاف حاکم را نشان می‌دهد. در کنار این موارد، برخی اقدامات پوپولیستی مانند حذف مالیات بر انعام و درآمد اضافه‌کاری نیز در لایحه گنجانده شده تا پایگاه رأی طبقه کارگر را هدف قرار دهد. با این حال، به گفته تحلیلگران، تأثیر واقعی این کاهش‌ها بر رشد اقتصاد بسیار ناچیز و در بلندمدت ۰۶ درصد تخمین زده می‌شود، در حالی که هزینه آن برای بودجه فدرال بیش از ۴ تریلیون دلار است.

ب- بازنگری در قراردادهای اجتماعی و تضعیف شبکه‌های حمایتی

شاید پربحث‌ترین بخش لایحه، کاهش‌های عمیق

میلیون‌ها نفر را از پوشش بیمه درمانی و کمک‌های غذایی محروم خواهد کرد. در مقابل، حامیان لایحه آن را موتور برای رشد اقتصادی بی‌سابقه و تقویت جایگاه آمریکا معرفی می‌کنند.

در ادامه ضمن کالبدشکافی ابعاد کلیدی این لایحه، به تحلیل پیامدهای عمیق آن برای اقتصاد، جامعه و جایگاه جهانی ایالات متحده می‌پردازیم و بر اساس آن، چشم‌انداز آینده احتمالی را در پرتو این تغییرات رادیکال ترسیم می‌کنیم.

۱- تحلیل واکاوی ابعاد کلیدی

این لایحه ۹۴۰ صفحه‌ای بر چند ستون اصلی استوار است که هر یک به تنهایی قابلیت ایجاد تغییرات گسترده‌ای را دارند. ترکیب این سیاست‌ها، تحول همه‌جانبه را رقم می‌زند.

الف- معماری نوین مالیاتی و پیامدهای تعمیق شکاف

محور اصلی «لایحه بزرگ و زیبا»، دائمی کردن کاهش مالیات‌هایی است که در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۷ تصویب شده و قرار بود در پایان سال ۲۰۲۵ منقضی شود. این سیاست شامل کاهش نرخ مالیات شرکت‌ها از ۳۵ به ۲۱ درصد و کاهش نرخ‌های مالیات بر درآمد برای اکثر سطوح درآمدی است. نظر سنجی‌ها نشان

یادداشت
محمد امین حقگو

اوایل ژوئیه ۲۰۲۵، کنگره ایالات متحده با تصویب لایحه‌ای که از سوی دولت با عنوان «لایحه بزرگ و زیبا» معرفی شد، یکی از مناقشه‌برانگیزترین و بلندپروازانه‌ترین اسناد قانونی دهه‌های اخیر را به قانون تبدیل کرد. این لایحه که با اکثریتی شکننده در هر مجلس نمایندگان و سنا به تصویب رسید، صرفاً یک سند مالی سالانه نیست، بلکه بیانیه‌ای جامع از یک فلسفه حکمرانی است که هدف آن بازآرایی بنیادین ساختار اقتصادی، قرارداد اجتماعی و اولویت‌های راهبردی ایالات متحده است.

هسته اصلی این لایحه، دائمی‌سازی و گسترش قانون کاهش مالیات و مشاغل سال ۲۰۱۷ (TCJA) است. این اقدام با کاهش‌های عمیق و ساختاری در بودجه برنامه‌های رفاهی و حمایتی، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های دفاعی و امنیت مرزی و لغو گسترده مشوق‌های مربوط به انرژی پاک همراه است. نکته قابل توجه این است که دفتر بودجه کنگره (CBO) تخمین زده است این لایحه طی یک دهه، ۲۴،۱ تا ۴۱ تریلیون دلار به کسری بودجه فدرال خواهد افزود و

نگاه
امین راستی

در چند دهه اخیر بویژه در بزنگاه‌های حساس سیاسی و اقتصادی، جریان‌های خاص از اقتصاددانان و رسانه‌های همسو، با اتخاذ رویکردی به ظاهر علمی و کارشناسانه، به تخریب نظام‌مند سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. این جریان که ریشه‌های فکری و اجرایی آن به دولت‌های پیشین بازمی‌گردد، با ارائه یک دوگانه کاذب میان «تعامل سازنده با جهان» و «انزوای خودخواسته»، تلاش می‌کند تمام چالش‌های اقتصادی کشور را محصول سیاست‌های مبتنی بر استقلال و مقاومت معرفی کند. سرمقاله اخیر مسعود نیلی و بیانیه ۱۸۰ به اصطلاح اقتصاددان، نمونه‌های متأخر و روشنی از این خط روایی است که در پی ایجاد یک اجماع نخبگانی علیه اصول بنیادین انقلاب اسلامی در عرصه اقتصاد و سیاست خارجی است. این جریان رسانه‌ای - سیاسی، با تمرکز بر مفاهیمی چون «توسعه»، «تعامل»، «اقتصاد علمی» و «صلح»، روایتی را ترویج می‌کند که در آن، هرگونه بافشاری بر استقلال، عزت ملی و مقابله با نظام سلطه، به مثابه رفتاری غیرعقلانی، ایندولوژیک و هزینه‌زا تصور می‌شود. آنها با نادیده گرفتن واقعیت‌های عینی صحنه بین‌الملل، همچنین سوابق مدیریتی خود، افکار عمومی و نخبگان را به سوی پذیرش راهکارهایی سوق می‌دهند که در نهایت، به وادادگی در برابر فشار خارجی و تضعیف مؤلفه‌های قدرت ملی منجر خواهد شد.

البته این تحلیل، هرچند در نگاه نخست به مسأله امروز ما راجع پیدا می‌کند اما پرسش دیرینه مسیر توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی است که ساده‌سازی یک واقعیت پیچیده در قالب دوراهی‌های کاذب را پیش رو قرار می‌دهد. مسأله بنیادین ایران امروز، انتخاب میان «مبارزه» یا «توسعه» نیست، چرا که این دو، مفاهیمی در ۲ سطح متفاوتند. مسأله اصلی، انتخاب میان «استقلال» به مثابه پیش‌شرط و جوهر توسعه پایدار و درون‌زا و «وابستگی» تحت لوای یک رفاه شکننده و عاریتی است. در واقع آنچه مسعود نیلی آن را «مبارزه» می‌خواند، یک «راهبرد» ضروری برای صیانت از توسعه ایران است. از این منظر، نقد ایشان نقد به خود این راهبرد نیست، بلکه نقد به نفس انتخاب ملت ایران از پس یک مسیر حداقل ۲۰۰ ساله، یعنی «استقلال» است؛ انتخابی که ملت ایران آگاهانه و با پرداخت هزینه‌های گزاف، به دست آورده و بر آن پا فشرده است.

■ پیمان مقاومت: باز خوانی یک انتخاب از حافظه تاریخی

برای درک صحیح ماهیت این انتخاب، باید از چارچوب تحلیل‌های انتزاعی فراتر رفت و به حافظه تاریخی ملت رجوع کرد.

ادامه در صفحه ۲

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا

ارتباط آموزش‌ها

رسپینا

021-92 00 00 00

www.respina.net